



# آدم‌های رولد دال یک جور دیگرند

طرح از: کارین

غیرعادی‌اش تا به کجا پیش برود. آثار او با پیرنگ‌های پرکشش، جزئیات مسحورکننده و گیرا و واژه‌های نام‌آوایی که بلندخوانی را برای کودکان آسان می‌کند، بسیار ماهرانه پرداخت شده است.

برخی از خوانندگان نوجوان آثار دال، برای نشان دادن اشتیاق خود به کتاب‌های او، به جای فعل خواندن (read) فعل یا ولع خواندن (devour) را به کار می‌برند.

در مصاحبه‌ای، اقلیا، دختر رولد دال می‌گوید: «مهمترین ویژگی پدر من توانایی فوق‌العاده‌اش بود که او را قادر می‌ساخت تا از هر چیزی، ماجرای بسازد. ذهنش، هم چون انگشتان دستش، چنان در تب و تاب و جنبش بود که گویی فقط آرزو داشت آنها را دور قلم ببیچد و مدام بنویسد.» کتاب بی.اف.جی (مخفف Big Friendly Giant) غول بزرگ مهربان، یکی دیگر از آثار هیجان‌انگیز و سرگرم‌کننده این نابغه عصر حاضر است. مقاله‌ای که پیش رو دارید، شامل خلاصه کتاب و نقد شخصیت‌های داستان است که از کتاب (Characters in Children's Literature) انتخاب و ترجمه شده است.

## خلاصه ماجرا

این فانتزی طنزآمیز، با خلق قهرمانانی نامتعارف چون غول و دخترک اسیرش، از سنت‌های معمول و قراردادی داستان‌های عامیانه عدول می‌کند.

هنگامی که سوفی، دخترک یتیم که در پرورشگاه زندگی می‌کند، می‌بیند که چگونه بی.اف.جی (غول بزرگ مهربان) به کودکان هنگام خواب رویا می‌دمد، غول او را می‌رباید تا سوفی نتواند حضور او را به دیگران اطلاع دهد.

بی.اف.جی، سوفی را با خود به کشور غول‌ها می‌برد که در آن جا با نه غول دیگر زندگی می‌کند. در حالی که

توضیح: در سال ۱۳۷۸ کتاب «بی.اف.جی» با نام «غول بزرگ مهربان» در ایران با ترجمه مهناز داودی و انتشارات محراب قلم به بازار نشر راه یافت. اما متأسفانه ناتوانی مترجم در برگردان بازی‌های کلامی اثر و حذف و تعدیل‌های دلخواه ایشان، لطمه زیادی به این اثر ارزشمند وارد کرده است. حذف تصویرهای هنرمندانه کتاب که کار تصویرگر معروف کواتین بلیک است و تصویرگری مجدد و ضعیف کتاب به این آشفتگی دامن زده است. باتوجه به ویژگی‌های اثر، این کتاب ترجمه‌ای جدید، هنرمندانه و وفادار به متن را می‌طلبد.

در سال ۱۹۸۲، مرد ولگردی، پنهانی وارد کاخ بوکینگهام می‌شود و ملت ده دقیقه روی تختخواب ملکه الیزابت می‌نشیند. مجلس انگلیس، بر سر این موضوع، جنجالی به راه می‌اننازد که همین موضوع دستمایه یکی از آثار رولد دال، یعنی «بی.اف.جی» قرار می‌گیرد.

امروزه کمتر کسی است که با نام رولد دال، نویسنده انگلیسی نروژی الاصل، آشنا نباشد. نویسنده‌ای که اخیراً به عنوان محبوبترین نویسنده کودکان و نوجوانان قرن انگلستان لقب گرفته است.

توانایی او در پرداخت داستان، بدون توجه به نامتعارف بودن آن، حیرت‌انگیز است. او با شامه تیز خود پی برد که چه موضوعاتی برای کودکان، از جذابیت و کشش زیادی برخوردار است. او با ذوق و سلیقه و خواسته‌های کودکان کنار می‌آمد و در طول نویسندگی خویش، کوشید، آثاری خلق کند که باعث شادی و سرگرمی آنها شود.

او برای خلق فانتزی‌های کودکانه، دیدی طنزآمیز داشت و به خوبی می‌دانست که با فانتزی‌های عجیب و

© مترجمان: محبوبه نجف‌خانی - پرتاز نیری

اشاره:

کتاب «غول بزرگ مهربان» اثر رولد دال، پیشتر در شماره ۳۹-۳۰ کتاب ماه کودک و نوجوان نقد شده است، اما نقد دیگری از این کتاب را به این علت منتشر می‌کنیم که نویسنده‌اش خارجی است و دیدگاه متفاوتی از این اثر ارائه کرده است. دیگر آن که آثار رولد دال، در ایران بیش از گذشته مطرح شده و هم چنان با استقبال روبه‌روست.

کتاب ماه کودک و نوجوان

گول‌های دیگر «بچه آدمیزاد» می‌خورند. بی.اف.جی، به سوفی اطمینان می‌دهد که غذایش فقط شامل یک نوشابه گازدار است (frboscottle) و خیار تنبل (snozzcumber) بسیار بدطعم که تنها سبزی‌ای است که در سرزمین گول‌ها می‌روید.

زمانی که یکی از گول‌ها به نام «غول خونخوار» (bloodlumpeater) به دنبال بوی «بچه آدمیزاد» تمام گوشه و کنار غار بی.اف.جی را می‌گردد، او به سرعت سوفی را پنهان می‌کند.

در ادامه داستان، بی.اف.جی، پس از تحمل آزار و اذیت‌های غول گوشت‌قلنبه‌خوار (fleshlumpeater) سوفی را مخفیانه به کشور رویاها می‌برد و او را با طرز شکار رویاها، آشنا می‌سازد.

پس از آن که سوفی مطلع می‌شود که نه غول بدجنس خیال دارند به انگلستان بروند و کودکان را بخورند، از نقش قربانی خارج و به قهرمان تبدیل می‌شود. او نقشه‌ای طرح می‌کند تا با استفاده از توانایی‌های خاص بی.اف.جی، بتوانند کودکان را نجات دهند.

به پیشنهاد سوفی، او و بی.اف.جی، به انگلستان سفر می‌کنند و مستقیماً به قصر ملکه می‌روند. بی.اف.جی، رویایی درباره گول‌های بچه‌خوار، به ذهن ملکه در خواب می‌دمد. زمانی که ملکه از خواب بیدار می‌شود، سوفی را نشسته بر لبه پنجره اتاقش می‌یابد. سوفی ملکه را به بی.اف.جی معرفی می‌کند.

به دستور ملکه، سر پیشخدمت دربار، آقای تیبس (Tibbs)، از غول مهربان پذیرایی می‌کند. پس از صرف غذا، بی.اف.جی، به ملکه توصیه می‌کند که غول‌ها را هنگام خواب دستگیر کنند. ملکه به فرمانده نیروی هوایی انگلستان و رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهد تا با سوفی و بی.اف.جی به کشور ناپیدا در نقشه گول‌ها، سفر کنند. آنها موفق می‌شوند تا پیش از بیدار شدن غول گوشت‌قلنبه‌خوار، هشت غول دیگر را دستگیر کنند و در بند کشند.

بی.اف.جی، شجاعانه به غول گوشت‌قلنبه‌خوار حمله می‌کند تا از خورده شدن یکی از سربازها ممانعت کند، اما غول، بی.اف.جی را به کناری پرت می‌کند. سوفی به دفاع از بی.اف.جی، ته سنجاق سینه‌اش را در بدن غول فرو می‌کند. بی.اف.جی، با حضور ذهن بی‌نظیری، غول را متقاعد می‌سازد که این سوزش از مارگزیدگی است و او را می‌فریبد که تا رفع خطر، با طناب بسته شود.

هلیکوپترهای نیروی هوایی، غول‌ها را به انگلستان می‌برند و آنها را در گودال عمیقی می‌اندازند و با همان خیار تنبل تغذیه‌شان می‌کنند.

ملکه دستور می‌دهد تا برای بی.اف.جی خانه عظیمی بسازند و به این ترتیب از او قدرانی می‌کند و به او لقب «خواب‌دهنده سلطنتی» اعطا می‌کند.

پس از مدتی، سوفی که حالا همسایه دیوار به دیوار بی.اف.جی است، به او طرز صحیح صحبت کردن و نوشتن را می‌آموزد.

در پایان داستان، مشخص می‌گردد که نویسنده کتاب حاضر، خود بی.اف.جی است.

شخصیت‌ها:

سوفی و بی.اف.جی، شباهت زیادی به شخصیت‌های



تا حدودی یک بعدی و کلیشه‌ای معمول در داستان‌های عامیانه دارند، اما بازی‌های زبانی و طنز تند داستان از این دو شخصیت، یک جفت قهرمان منحصر به فرد و کاملاً متفاوت می‌سازد.

رولد دال، بیشتر، در داستان دیگرش با نام «دانی قهرمان دنیا» (۱۹۷۵)، در قصه‌هایی که پدر دانی هنگام خواب برایش تعریف می‌کرد، از بی.اف.جی یا غول بزرگ مهربان نام برده بود.

بی.اف.جی، غول کوچکی است که فقط ۲۴ فوت (حدود ۷ متر و نیم) قد، چهره‌ای پر چین و چروک، چشمانی درخشان، بینی عقابی و نوک تیز و گوش‌های بزرگ و چرخان دارد. او با اتکا بر همین قدرت شنوایی فوق‌العاده حساسش می‌تواند هم از شناسایی خود جلوگیری کند و هم به شکار رویاهایی که هنگام خواب به کودکان می‌دمد، بپردازد.

بی.اف.جی، شل سیاه رنگی می‌پوشد که او را در تاریکی شب پنهان می‌کند و کیفی پر از بطری‌های پر شده از رویاهای گوناگون و نیز شیپوری حمل می‌کند که با آن به کودکان در خواب، رویا می‌دمد.

هنگام راه رفتن، به راحتی سر می‌خورد و چنان با سرعت می‌دود که حتی هلیکوپتر هم به گردش نمی‌رسد. شخصیت داستانی بی.اف.جی، دو کارکرد معمول و قراردادی از طرح داستان را به نمایش می‌گذارد. اول این که او هم‌چون شخصیت داستان‌های عامیانه «به من بگو چرا» عمل می‌کند؛ به این صورت که توضیحی خیالپردازانه درباره «چرایی» پیدایش رویاهای بشر به دست می‌دهد.

دوم این که بی.اف.جی، قهرمانی نامتعارف است و با سایر غول‌ها تفاوت دارد. با آن که از نظر جسمانی، از سایر

همقطاران‌ش کوچکتر است، اما از نظر اخلاقی برتر و باهوش‌تر است. او از خوردن کودکان امتناع می‌ورزد و در نتیجه، به طعم بد خیار تنبل تن در می‌دهد.

او فیلسوفانه به سوفی خاطرنشان می‌سازد که غول‌ها، برخلاف انسان‌ها، یکدیگر را نمی‌کشند.

علی‌رغم خطاهایی که از او سر می‌زند و حتی موجب می‌شود مورد تمسخر سایر غول‌ها قرار گیرد و تنبیه بدنی شود، باز هم به اعتقاداتش سخت می‌چسبد و زمانی که غول «خونخوار» به دنبال بوی بچه آدمیزاد غارش را می‌گردد، سوفی را پنهان می‌کند.

بی.اف.جی، با حمله به غول «گوشت‌قلنبه‌خوار»، شجاعتش را به نمایش می‌گذارد، اما تنها زمانی موفق به دستگیری غول می‌شود که حيله و نیرنگ به کار می‌برد. بی.اف.جی، با استفاده از عقل و شعور خود به بزدلی غول بدجنس پی می‌برد و با زیرکی او را می‌ترساند و در موقعیتی قرار می‌دهد که اجازه دهد به بند کشیده شود.

بی.اف.جی، هم‌چنین، کانون طنز داستان است. از نظر انسان‌ها و نیز غول‌ها، او بیگانه‌ای بیش نیست و طنز داستان نیز در این موقعیت یکسان او نهفته است. او در واقع، به کودکی بیش از حد رشد یافته می‌ماند. از صدای گازی که در اثر خوردن نوشابه گازدار در معده‌اش جمع می‌شود، خوشش می‌آید و بادگلو زدن را امری طبیعی می‌داند.

از این رو حتی نزد ملکه نیز هنرنمایی می‌کند. بیان چنین رفتار خارج از نزاکتی، منعکس‌کننده طرز فکر رولد دال است: «هاز نظر کودکان، فعل و انفعالات جسمانی هم عجیب و هم خنده‌دار است.»

آن چه بی.اف.جی، را به طرز مضحکی به یاد ماندنی می‌کند، نحوه گفتار اوست. بی.اف.جی، که بدون معلم و فقط از روی کتاب (نیکلاس نیکلیی اثر چارلز دیکنز) خواندن و نوشتن را آموخته، کلمات را به صورت به هم ریخته و اشتباه به کار می‌برد و حرف زدن او پر از اشتباهات لغوی، جناس، بازی با الفاظ، جابه‌جاسازی غیرعمدی حروف یا آواها و شکل‌های گوناگون دیگر بازی‌های کلامی است. بی.اف.جی، به طرز صحبت سوفی می‌گوید: «غان و غون یا مزه» (Interesting babblement) اما به او اخطار می‌کند که «قلمبه سلمبه» حرف نزند (gobblefunk around with words) و در عین حال، قبول دارد که بعضی وقت‌ها کلمات خودش هم «قاطی یاطی» می‌شود (suiff-squiddled) و یا مثلاً می‌ترسد آن قدر لاغر شود که «طبل توخالی» شود (skin and groans). (در مقابل skin and bones).

یا مثلاً هنگامی که غول گوشت‌قلنبه خوار غارش را می‌گردد، او می‌گوید می‌توانی تمام سوراخ سنبه‌های غار را بگردی (every crook and nanny) و به چارلز دیکنز (Charles Dickens) می‌گوید دالز چیکنز (Dahl's Chickens) و یا غول گوشت‌قلنبه‌خوار را به جای گفتن «vindshield vipers افی خطرناک و سمی» با گفتن «windshield wiper برف پاک کن» می‌ترساند.

نوشتن همین رمان، نشانه‌ای از هوش و استعداد بی.اف.جی است که طی آن خوانندگانش را با نحوه گفتار

خنده‌دارش آشنا می‌سازد.

اما سوفی، دخترک یتیمی است که عینک پستی زره‌بینی می‌زند. تحول او در نقش قهرمانی نامتعارف، از الگوی آشنایی پیروی می‌کند: شروعی غم‌انگیز در یتیم‌خانه که رفتاری وحشیانه با او دارند (فضای داستان‌های دیکنزی). تجارب او در کشور غول‌های خطرناک، به او می‌آموزد که چگونه با شرارت‌های دنیا مواجه شود. این تجارب هم‌چنین، فرصتی در اختیارش می‌گذارد تا هوش، شجاعت و حس همدردی فطری خود را نشان دهد.

هنگامی که غول «خونخوار» در جست و جوی بوی آدمیزاد به غار بی.اف.جی می‌آید، سوفی، گرچه وحشت کرده، با حضور ذهن خود می‌فهمد که باید ساکت بماند و بلافاصله در خیار تنبل پنهان می‌شود.

در ادامه ماجراهای داستان، او با فرو کردن سوزن سنجاق سینه‌اش به قوزک پای غول گوشت‌قلنبه خوار، شجاعتش را به نمایش می‌گذارد. سوفی برای نجات کودکان، نقشه‌ای طرح می‌کند و از بی.اف.جی، می‌خواهد تا هنگامی که ملکه در خواب است، رویای غول‌های بچه خوار را در خواب به او بدمد و به این ترتیب، ذکاوت و زیرکی خود را آشکار می‌کند.

از توجه و علاقه سوفی به حمایت از کودکان در مقابل غول‌ها و محبتش به بی.اف.جی، که خواندن و نوشتن و صحبت کردن صحیح را به او می‌آموزد، به خوبی می‌توان به حس همدردی این دختر خردسال پی برد.

در انتهای داستان، سوفی متحول می‌شود و از کودکی یتیم و وابسته، به دختری کامل و متکی به نفس تبدیل می‌گردد. برای خود صاحب خانه‌ای می‌شود که نشانه‌ای از بالغ شدن است.

غیر از بی.اف.جی و سوفی، دوتا از نه غول گوشتخوار، شخصیت‌های تکوین یافته و منحصر به فردی دارند. غول «خونخوار» پنجاه فوتی (حدود ۱۷ متر و نیم)، مانند سایر غول‌ها، هم از نظر شکل ظاهری و هم از نظر اخلاقی، بدوی است. این غول که تکه پارچه‌ای کثیف به دور کمرش بسته، چهره‌ای آفتاب‌سوخته و سینه، بازو و شکمی پر از موهای سیاه دارد. در زیر موهای بلند و ژولیده‌اش، صورتی شل و وارفته، بینی پهن و کوچک، چشمانی ریز و سیاه و دهانی گشاد به چشم می‌خورد. دندان‌های زرد و زمختش، هم‌چون سوسیس از میان لب‌هایش بیرون زده و آب دهان تهوع‌آورش چون رود بر چانه‌اش جاری است. این شخصیت منفی بداخلاق و بددهن، فاقد هرگونه ویژگی مثبت است.

غول گوشت‌قلنبه‌خوار، بزرگترین و بدجنس‌ترین غول داستان، طوری کودکان را می‌بلعد که گویی ذرت بو داده‌اند.

گرچه از نظر ظاهری، شباهت فراوانی به غول

«خونخوار» دارد، اما سوفی متوجه زبان سیاه و براقش می‌شود.

غول «گوشت‌قلنبه‌خوار» به بی.اف.جی دشنام می‌دهد و سربه‌سرش می‌گذارد و با سایر غول‌ها او را به هوا می‌اندازند و بازی می‌کنند. با این حال، غول گوشتخوار بزدل، وقتی باورش می‌شود که مار خطرناکی او را گزیده، وحش‌زده می‌شود. حماقت او، خصلت غول‌های داستان‌های عامیانه، موجب تضعیف و در نهایت هلاکتش می‌گردد.

زمانی که بی.اف.جی به او می‌قبولاند که سنجاق سینه سوفی نیش مار است، غول به حماقت چشمانش را می‌بندد و دست‌ها و پاهایش را جمع می‌کند و خود باعث دستگیری‌اش می‌شود.

سایر شخصیت‌های انسانی داستان، نقش کمی در شکل‌گیری و گره‌گشایی طرح داستان دارند؛ ملکه انگلستان، زنی است با وقار، کاردان و فهمیده. پس از آن که از شوک دیدن سوفی بر لبه پنجره اتاق خوابش بیرون می‌آید، باصناعت و خویش‌نمندی رفتار می‌کند و حتی پس از ملاقات با بی.اف.جی، این خصوصیات خود را حفظ می‌کند.

با این همه، هنگامی که بی.اف.جی بادگلو می‌زند، ملکه مثل هر انسان دیگری نمی‌تواند جلو لبخندش را بگیرد.

ملکه در نقش رهبری برجسته و دلسوز، نگران کودکانی است که خوراک غول‌ها می‌شوند. او تربیتی می‌دهد تا غول‌ها دستگیر شوند، اما تأکید می‌ورزد که کشتن غول‌ها کار اشتباهی است و دستور می‌دهد، آنها را درون گودالی زندانی کنند.

آقای تیبس، سر پیشخدمت ملکه، چهره‌ای طنزآمیز، از سرپیشخدمت‌های انگلیسی خودنسرده کلیشه‌ای متجلی می‌سازد. او هنگام آماده کردن غذا برای بی.اف.جی، ماهرانه ترتیب چین‌صندلی‌ها و سرو غذا را می‌دهد.

فرمانده نیروی هوایی و فرمانده ستاد ارتش، هر دو تصاویری هجوآمیز از مقام‌های خود بزرگ‌بین را به نمایش می‌گذارند. آنها متکی به شجاعت سوفی و بی.اف.جی هستند؛ زیرا هنگامی که با غول «گوشت‌قلنبه‌خوار» مواجه می‌شوند، تربیتی می‌دهند تا در صورت بروز خطر، از مهلکه بگریزند.

گرچه آن دو نقش عمده‌ای در شکست دادن غول‌ها ندارند، اما خود را مستحق دریافت ممال می‌دانند.

تصویرگری هنرمندانه کوانتین بلیک که اکثر کتاب‌های رولد دال را تصویرگری کرده، به زیبایی اثر افزوده است.

منابع:

Characters in Children's Literature  
Raymond E. Jones  
Gale Research ۱۹۹۷

در شماره ۳۰-۲۹ کتاب ماه کودک و نوجوان، خبر ترجمه کتاب «کوه مرا صدا زد»، اثر ارنست همنگوا، نویسنده نوجوانان را درج کردیم. آن چه ما آوردیم خبری ناقص بود که از اطلاعات ناقص ما ناشی شده بود، اما بعد باخبر شدیم که این کتاب علاوه بر بازتاب‌هایی که در داخل کشور داشته، در خارج کشور هم صدا کرده است.

از این رو، به سراغ بایرامی رفتیم و تقاضا کردیم که خودش شرح کامل ماجرا را برای «کتاب ماه» بنویسد و او با همه حجب و فروتنی‌اش، سرانجام زیر بار رفت و مطالبی نوشت که آن را تقدیم می‌کنیم. در ضمن، نقد کوتاهی بر این کتاب، به قلم مصطفی ناهید در شماره ۳۱ کتاب ماه کودک و نوجوان، به چاپ رسیده است.

کتاب ماه کودک و نوجوان

جناب آقای حجوانی عزیز

باسلام، طبق خواسته شما، چند کلمه‌ای درباره کتاب نوشتیم. نکته اول این که در شماره ۳۰-۲۹ «کتاب ماه» خبر ترجمه «کوه مرا صدا زد» چاپ شده بود. از آن جا که این خبر ناقص بود و در آن، به جای «سوئیس» به اشتباه «سوئد» چاپ شده بود، لذا شاید بد نباشد که خبر مذکور را به شرح زیر تصحیح کنیم:

کتاب «کوه مرا صدا زد» از مجموعه سه جلدی «قصه‌های سیلان» به زبان آلمانی و با عنوان *Djalal reitet um Sein leben* منتشر شد. مترجم کتاب، خانم «یوتا هیمل رایش» است و سه ناشر آن را چاپ کرده‌اند: «بائوباب» و «گابریل» از سوئیس و «تاکل و کیمشه» از اتریش. کتاب در آلمان، اتریش و سوئیس توزیع شده است.

این کتاب، قبلاً از سوی کانون پرورش فکری، برنده دیپلم افتخار، از سوی مجله «سوره نوجوانان» برنده لوح تقدیر و از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب شایسته سال، معرفی شده است.

ترجمه آلمانی «کوه مرا...» در نوزده فصل و ۱۴۶ صفحه چاپ شده و شامل یک لغت نامه و معرفی نامه کوتاهی از نویسنده است.

تاکنون چندین نقد و نظر و معرفی، درباره کتاب (در اتریش، آلمان و سوئیس) چاپ شده است. ظاهراً ناشران